

# اصول شهرسازی اصفهان عصر صفوی

سیروس شفق\*

شهر اصفهان به میان آمده صحبت از بنای مساجد، مدارس، امامزاده‌ها، بقعه‌ها، کاخها، خانه‌ها، برجها، حمام‌ها، پلها و بازارها بوده است. اما به الگو و اصول شهرسازی آن یا توجهی نشده و یا اگر هم عنایتی به آن مبذول گردیده گذرا و اندک بوده است.

بعد از قرن‌ها فترت و ناآرامی‌های سیاسی در کشور، بالاخره صفوی‌ها توانستند یک حکومت ملی با تکیه به مذهب شیعه در ایران بنیان نهند. آرامشهای سیاسی بعد از کشمکشهای بزرگ با امپراتوری عثمانی و ازبکها و پرتغالی‌ها پدید آمد. مدیران مملکتی از نظر سیاسی و امنیتی، پایتخت و مقر حکومت خویش را از شمال غرب کشور به فلات مرکز یعنی از تبریز به قزوین و سپس به اصفهان منتقل کردند.

در این عصر پیشرفتهای بزرگی از نظر اقتصادی و سیاسی نصیب این کشور شد که شهرنشینی را در این سرزمین رونق بخشید.

صفوی‌ها با تأکید به توسعه تجارت و احداث راهها و کاروانسراها سیاست شهرنشینی فعالی را دنبال کردند، در همین راستا ابتدا به توسعه و بازسازی اصفهان به عنوان یک الگوی شهری توجه نمودند، در واقع آنرا الگوی سیاست شهرسازی خود قرار دادند و این الگو به سرعت در دیگر شهرهای کشور به مورد اجرا گذاشته شد.<sup>۱</sup>

\* - استاد گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان.

۱- محمدتقی رهنمائی، شهرنشینی و شهرسازی در ایران، جشن‌نامه دکتر محمدحسن گنجی، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۴۷.

اصفهان را از دیرباز نیمه جهان گفته‌اند و شاعری در تمجید فراتر رفته و سروده است:

اصفهان را نیمه جهان گفتند

نیمی از وصف اصفهان گفتند

یا دیگری گفته است که:

جهان را اگر اصفهانی نبود

جهان‌آفرین را جهانی نبود

از این اصطلاح با مسمی و افتخاری که تاریخ به اصفهان ارزانی داشته، شهروندان اصفهانی بسیار خشنودند، اما این اصطلاح نه فقط به دلیل زیباییهای طبیعی، بلکه به علت دارا بودن آثار هنری، و نقش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به اصفهان اطلاق شده است. آثار تاریخی و هنری اصفهان، این شهر را در ردیف یکی از میراث‌های فرهنگی جهان در آورده، به طوری که یونسکو آنرا هم‌تراز چند شهر مهم و زیبای جهان قرار داده و به عنوان یکی از گنجینه‌های فرهنگی با ارزش جهان ثبت کرده و حفظ و حراست آنرا به جهانیان توصیه نموده است.

شهر اصفهان به منزله موزه‌ای است که باید در حفظ آن کوشید. این شهر زیبا، متعلق به شهروندان اصفهانی نیست و حتی به عنوان یک شهر ایرانی - اسلامی تلقی نمی‌شود، بلکه گوهری است گرانبها که به تمام جهان تعلق دارد. در تاریخ ۷۷/۶/۲۲ سفیر ایتالیا و شهردار اصفهان خواهرخواندگی فلورانس ایتالیا و اصفهان را امضا کردند.

آثار با ارزش تاریخی، به شهر اصفهان خصیصه ویژه‌ای بخشیده است که این شهر را از سایر شهرهای ایران متمایز می‌کند. به همین سبب هرگاه سخنی از

دوران در اختیار ما نیست. از طرف دیگر توسعه شهر اصفهان و گسترش بی‌امان آن و احداث خیابانهای جدید و نوسازیهای چهار دهه اخیر، فرصت زیادی برای پژوهشگران نگذاشته تا در زمینه الگوهای شهری قبل از عصر صفوی مطالعات دقیق و عمیقتری بنمایند، حتی از آثار باروی قدیمی شهر چیزی باقی نمانده است.

شاه عباس صفوی از سال ۱۰۰۰ هجری قمری تصمیم به انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان می‌گیرد، اما از سال ۱۰۰۶ هجری قمری انتقال آن عملاً صورت می‌گیرد. صفوی‌ها، بافت قدیم اصفهان را مرکز امپراتوری خویش نمی‌بینند، لذا شهرسازان و معماران کارآزموده را با توجه به آگاهیهای دقیق جغرافیایی و شهرسازی به کمک می‌طلبند. آنها تصمیم به توسعه شهر می‌گیرند و شهر قدیمی را چنان ماهرانه به سمت جنوب توسعه می‌دهند که این حرکت علمی را باید در ردیف اصول شهرسازی مدرن مورد مطالعه قرار دهیم. توسعه شهر به طرف جنوب، چنان آگاهانه و استنادانه صورت گرفت که این عمل حتی امروز هم

اصفهان قبل از دوره صفویه با اینکه شهری بزرگ و آبادان بود، لکن مانند سایر شهرهای ایران و خاورمیانه با بافت سلولی خود از الگوی خاصی که ویژه شهرهای اسلامی است پیروی می‌کرد.

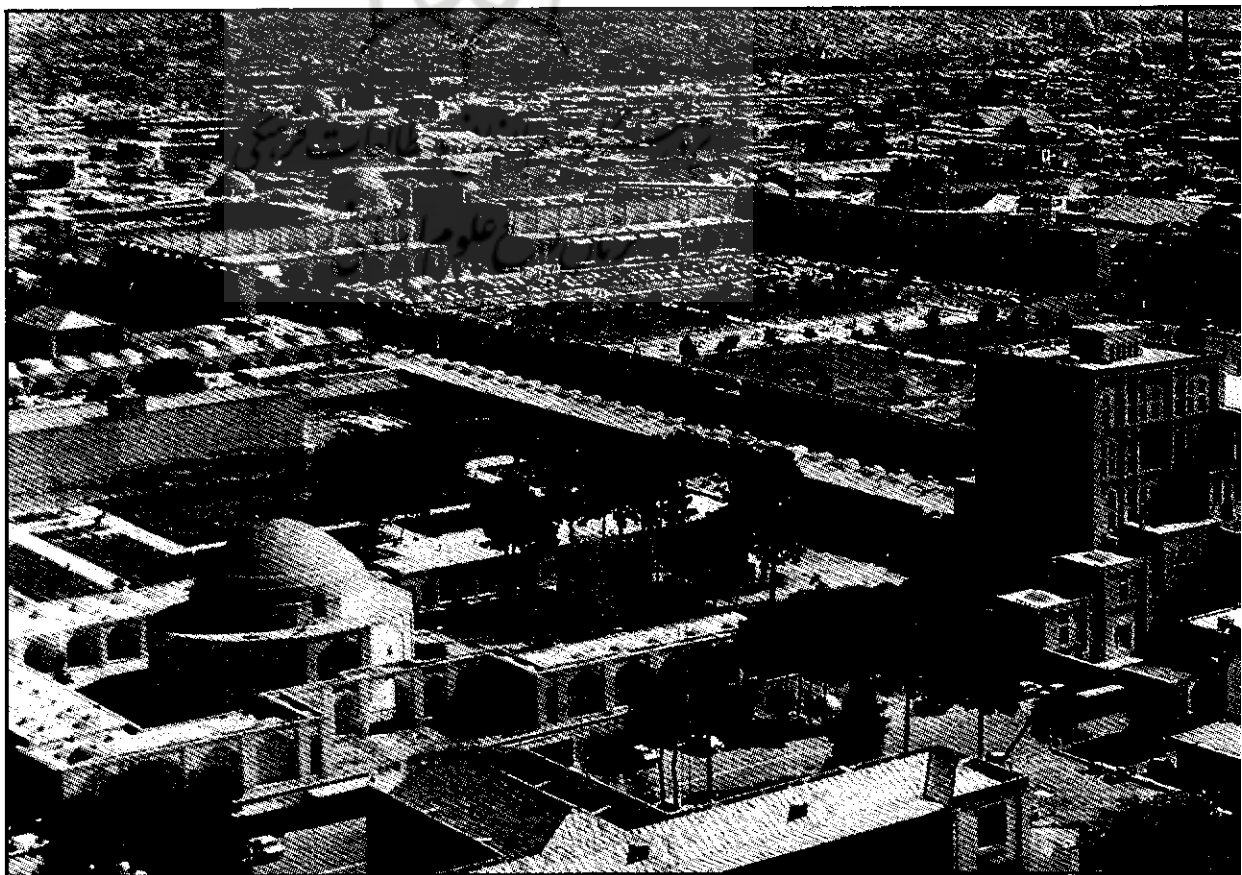
طرحهای شهرسازی عصر صفویه هنوز هم عملکرد خود را از دست نداده است. گویی شهرسازان آن دوره برای بهتر زیستن شهروندان اصفهان برنامه‌ریزی کرده‌اند، ولی با این حال نباید تصور کرد که الگوهای شهرسازی دوران قبل از صفویه اثری در ساختار شهر اصفهان نداشته و یا تأثیر نوع معیشت و شیوه‌ها و نیاز زندگی در اصول و الگوی شهری بی‌تأثیر بوده است. البته تعیین میزان نفوذ الگوهای شهرسازی قبل از دوره صفویه در آن عصر کار ساده‌ای نیست. کمی منابع مکتوب و مطالعات باستان‌شناسی در بخشهای قدیمی شهر از مشکلاتی است که ما را از رسیدن به هدف خود دور نگه می‌دارد، به خصوص منابع و مآخذ، اطلاعات کافی از دوران قبل از سلجوقی اصفهان در اختیار نمی‌گذارد و یا از دوره حملات مغول تا عصر صفویه نیز منابع مهمی درباره شهرسازی آن



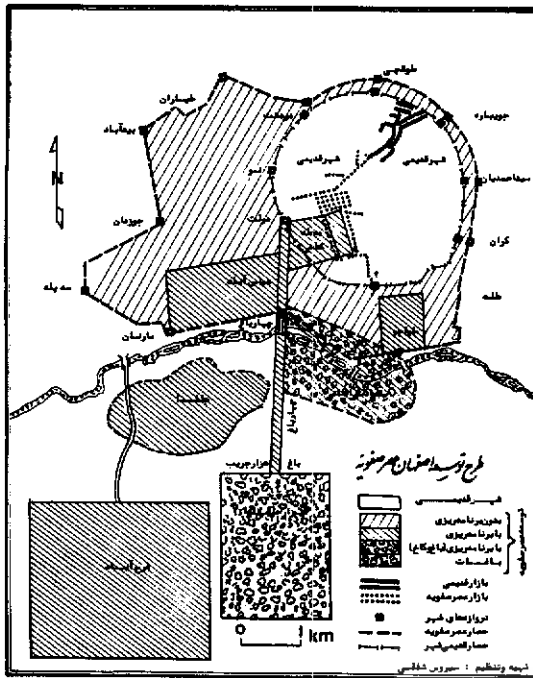
با حرکات و توانهای شهرسازی قرن بیستم قابل مقایسه است. طرح مزبور، اصفهان عصر صفویه را به یک شهر توأمان (دوقلو) تبدیل نمود و بدین وسیله شهر اصفهان در دو طرف زاینده رود گسترش یافت. توسعه شهر در محور جنوبی با ایجاد چهارباغ به عرض ۴۸ متر صورت گرفت. این نام از چهار تاکستان گرفته شده که شاه عباس برای ایجاد این خیابان عریض می‌بایست آن را خریداری نماید و پل اللهوردی خان (سی و سه پل) جهت ارتباط بخش شمالی و جنوبی شهر ساخته شد. البته همزمان با ایجاد چهارباغ، میدان جدیدی احداث گردید که نقش اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی مهمی داشت و به نام نقش جهان یا میدان نو معروف بود و چون سازنده آن شاه عباس اول بود، به نام میدان شاه معروف گردید.

در منتهی‌الیه جنوبی خیابان چهارباغ، باغ زیبا و وسیعی به نام هزارجریب ایجاد گردید که نقش باغ ملی شهر را ایفا می‌کرد. ساکنان شهر با استفاده از این باغ عمومی، رابطه نزدیکی با بخش جنوبی

شهر که تا آن تاریخ غیرمسکونی بود برقرار کردند و بدین وسیله شهر اصفهان عصر صفویه، ستون فقرات جدیدی را در محور شمالی - جنوبی پیدا کرد. چنانکه هم اکنون نیز محور چهارباغ چنین نقشی را به عهده دارد. این حرکت عقلائی، گردانندگان و مدیران شهری اوایل دوره قاجاریه را به این اندیشه وا داشت که چهارباغ دیگری در جهت شمالی - جنوبی ایجاد نمایند که به احداث چهارباغ خواجه یا صدر منجر گردید که مرکز اقتصادی شهر یعنی بازار را از طریق پل خواجه به مناطق جنوبی کشور هدایت کرد. البته فقط وجود معابر عریض برای پایتخت یک امپراتوری وسیع کافی نبود، به خصوص که نوعی رقابت با ترکان عثمانی و پایتخت زیبای آنها یعنی قسطنطنیه در کار بود. لذا دورنماهای زیبا و بناهای منظم و هماهنگ، همه در طرح‌ریزی شهر جدید پیش‌بینی شده بود. پیرلوتی نویسنده فرانسوی، دو قرن بعد از دوران شکوه شهر، در کتاب خود به نام «به سوی اصفهان» درباره زیبایی خیره‌کننده شهر سخن گفته است.



منظره هوایی میدان نقش جهان (مرکز شهر صفوی) - عکس از مهدی علی‌عسگری



میدان شهر و مسجد جامع نیز در شهرهای ما به عنوان دو عنصر مهم در محور بازار، قویاً مدنظر طراحان شهری عصر صفویه بوده است. ارتباط بازار قدیمی (در بخش شمالی شهر) و جدید (در بخش جنوبی) چنان ماهرانه صورت گرفت که در هیچ یک از بخشهای شمالی و جنوبی، حتی در طول چهار قرن گذشته رکودی احساس نشد. شهرسازان آن عصر برای حفظ بخش قدیمی شهر و بازار و به منظور ممانعت از رکود اقتصادی، بازارهای اطراف میدان نقش جهان را به بازار قدیم یا اطراف مسجد جامع یعنی در مرکز دینی و اقتصادی مهم متصل کردند؛ در واقع بازار اصفهان نقش پلی را بازی کرد که دو بافت قدیمی و جدید شهر یا به عبارت دیگر بخش شمالی و جنوبی آن را به همدیگر ارتباط می داد و حتی در مسیر این مراکز اقتصادی، مجتمع های فرهنگی و دینی مهمی را به وجود آوردند تا بر رونق آن بیفزایند و ساکنان بخش شمالی و جنوبی شهر از آنها استفاده نمایند. به خصوص ساکنان بخش جنوبی به واسطه کمبود این نوع خدمات شهری می توانستند حداکثر استفاده را

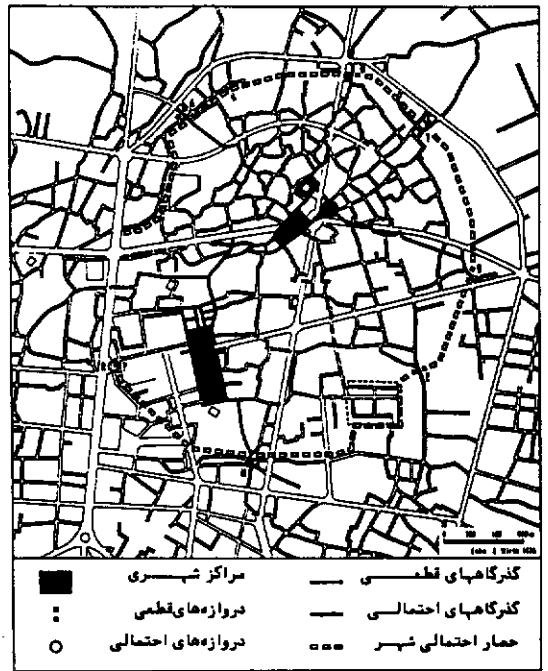
۲- پیرلوتی، به سوی اصفهان، ترجمه بدرالدین کتابی، اصفهان، ص ۱۷۱.

وی، معابر عریض، میدانهای وسیع، کاخهای باشکوه، زیبایی و هماهنگی ساختمانهای مسکونی اصفهان را بارها ستوده است.<sup>۲</sup>

شهرسازان عصر صفویه به منظور توسعه شهر به طرف جنوب، در کنار چهارباغ، محلات جدیدی با برنامه ریزی قبلی طرح ریزی نمودند تا شهر قدیمی به سوی جنوب گسترش یافت و بدین وسیله محلات تیریزی ها (عباس آباد فعلی)، خواجو، جلفا، سعادت آباد و فرح آباد یکی بعد از دیگری در بخش جنوبی شهر قدیمی احداث و رشد کرد و به شهر قدیمی متصل گردید. این حرکت عقلایی و فنی که در آن عصر صورت گرفت هنوز هم با موازین شهرسازهای قرن ما منطبق است.

شهر جدید از جنوبی ترین قسمت شهر به صورت طراحی بر روی زمین بدون ساختمان صورت گرفت که درگیر مشکل مالکیت و واگذاری زمین نبود و این اصل از نکات مهمی است که امروز نیز در شهرسازی جدید باید به آن توجه خاص معطوف داشت.

شهرسازان عصر صفویه به توسعه مراکز اقتصادی بیش از پیش توجه داشته اند، زیرا اصفهان آن عصر، از مراکز مهم تجاری دنیا به حساب می آمد. در این مورد به توسعه بازار در سمت جنوب توجه شد و از این رو بازار اصفهان به موازات توسعه شهر به طرف جنوب گسترش یافت. حرکات مزبور بیان کننده این حقیقت است که شهرسازان عصر صفویه، آگاهی کامل از عملکرد و ساختار شهرهای ایران داشتند. طراحان و برنامه ریزان شهری آن عصرها نیک می دانستند که بازارها نقش اصلی را در ساختار شهرهای ما دارند و قلب تپنده شهرهای کشور را تشکیل می دهند و زندگی اقتصادی شهر به عهده آنهاست. شهرسازان آن دوره به شبکه های دسترسی بسیار منظم که تمام عناصر شهری را به نحوی در بر گرفته باشد توجه داشتند. آنها دریافته بودند که توسعه شهر باید بر روی محور بازار استوار باشد و گفتنی است که اغلب نویسندگان قرن بیستم نیز ساختار شهری را بر مبنای اصول مکانیسم بازار می دانند، لذا به توسعه آن اهمیت خاصی می دهند.



از آنها بنمایند. بدین وسیله استخوان‌بندی شهر به صورت مجموعه‌ای به هم پیوسته و متنوع، که شهر را در کلیت خویش انسجام می‌بخشید پدید آمد و تار و پودش در تمامی گستره شهر تا دورترین اجزای آن، یعنی محلات امتداد می‌یافت. به هر حال شاه‌عباس اول در مدتی کوتاه موفق شد شهری بسازد که در خور یک ملت متمدن و پیشرفته بود. انجام کل طرح حدود نیم قرن به طول انجامید و جانشینان وی توانستند در راه تکامل آن گامهای بزرگی بردارند.

امروزه مراکز شهر اصفهان را اغلب همان بخشهایی از شهر تشکیل می‌دهند که چهار قرن قبل و در عصر شاه‌عباس ساخته شده‌اند. برای اینکه با اجزاء و عناصر شهرسازی اصفهان عصر صفویه آشنایی بیشتری پیدا کنیم به شرح آنها می‌پردازیم:

### میدان نقش جهان و بازارهای عصر صفویه

میدان امام یا میدان نقش جهان با بناهای آن را باید از شاهکارهای معماری اصیل ایران و جهان دانست. شاه‌عباس اول که به سال ۹۹۸ به اصفهان آمد اولین حرکت شهرسازی را با طرح‌ریزی این میدان با شکوه آغاز کرد و بنای آن به سال ۱۰۱۱ هجری قمری پایان یافت. قبل از این تاریخ، در محل میدان

باغ بزرگی وجود داشت به نام نقش جهان، با کوشکی که به صورتها و انواع نقشها آراسته شده بود و به این مناسبت آنرا باغ نقش جهان می‌گفتند. در عصر سلجوقیان این میدان را کوشک میدان می‌گفتند.<sup>۳</sup>

در اوایل حکومت صفویه، این محل به صورت محوطه وسیعی بوده و کاروانسراهایی نیز در قسمتی از محل فعلی میدان وجود داشته است.<sup>۴</sup>

جهانگرد ایتالیایی به نام پیتر دلاواله که از سال ۱۰۲۵ تا ۱۰۳۱/ق = ۱۶۲۲ - ۱۶۱۷ م در ایران به سر می‌برد. میدان نقش جهان را از زیباترین میدانهای جهان می‌شمارد و معتقد است که این اثر با بهترین آثار مسیحیت برابری می‌کند و بدون تردید بر آنها مزیت دارد.<sup>۵</sup> او به ساختمانهای دور تا دور میدان که مساوی و موزون می‌باشد اشاره می‌کند.

پرفسور هیتس ایران‌شناس معاصر آلمانی، درباره میدان نقش جهان چنین می‌نویسد: «میدان شاه در مرکز شهر قرار دارد. بنایش موقعی صورت گرفته است که مشابه آنرا از نظر وسعت و سبک معماری و اصول شهرسازی در مغرب‌زمین نداریم».<sup>۶</sup>

طول میدان ۵۱۰ متر و عرض آن ۱۶۵ متر می‌باشد. عملکرد آن قابل توجه بوده است؛ محل ملاقات شاهان صفوی و ساکنان شهر، مرکز تجارت شهر، به طوری که تجار خارجی مانند هلندی‌ها، پرتغالی‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، اعراب، ارمنه، روس‌ها و هندی‌ها در این محل به داد و ستد مشغول بودند. دستفروشان نیز در میدان به خرید و فروش می‌پرداختند.

شاردن جهانگرد معروف و نکته‌سنج فرانسوی از میدان شاه به عنوان مرکز خرید و فروش یاد

۳- دکتر لطف‌الله هنرفر، میدان نقش جهان، هنر و مردم، شماره ۱۰۵، ص ۲، و نیز اسکندربیک ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران، ۱۳۳۵، ص ۶۳۶.

۴- راجر سیوری؛ ایران عصر صفویه، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ دوم، ۱۳۶۶، ص ۱۴۸.

۵- پیتر دلاواله، سفرنامه پیتر دلاواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸، ص ۲۵۰-۲۵۶.

6- Walter Hinz ; Iranische Reise, Giessen 1938, S. 122-124.

شاردن شیفته چراغانی میدان نقش جهان  
که پنجاههزار شعله چراغ، آنرا زینت  
می‌داده بوده است. توپهایی که شاه‌عباس  
در جنگهای مختلف با پرتغالی‌ها و ترکان  
عثمانی به غنیمت آورده بود، این میدان  
را زینت می‌داده است.

در میدان امام به یکی دیگر از شاهکارهای  
معماری عصر صفویه برمی‌خوریم و آن مسجد  
شیخ لطف‌الله در ضلع شرقی آن است که نبوغ ایرانی  
بویژه از نظر کاشیکاری کم‌نظیر در آن به وضوح تمام  
نشان داده شده است. در ضلع غربی میدان، کاخ  
عالی‌قاپو قرار دارد که معماران معروف دنیا تعریف  
زیادی از آن نکرده‌اند، بلکه آن‌را گاهی به یک صندوق  
آجری تشبیه نموده‌اند. ذکر این نکته ضروری است که  
شاه‌عباس ساختمانهای باشکوه را همیشه شایسته  
جلال خداوند می‌دانست نه کاخ شخصی خویش.  
معماری عصر صفویه که در تاریخ معماری  
ایران ارزش و منزلت خاصی دارد احتمالاً با  
احداث میدان نقش جهان، کاخها و بازارهای آن  
عصر آغاز گردیده است.

دورا دور میدان دارای نهر آبی بوده که در  
اصفهان به نام مادی معروف است و لفظ «مادی»  
احتمالاً یادگاری از دوران مادها بوده است. عرض  
آن ۳/۵ متر و عمق آن ۲ متر که به مرور زمان متروک  
و پر شده بود. بازسازی و بهسازی آن در سه دهه  
قبل مورد توجه مدیران شهری قرار می‌گیرد تا  
به شکل سابق در آید و آب در آنها جریان یابد. ولی  
باستان‌شناسان با اجرای این طرح موافقت  
نداشتند، چه انجام این کار خطر احتمالی برای  
انهدام ساختمانهای دور میدان که با مصالح  
کم‌مقاومتی بنا شده است، داشت. بی‌مناسبت  
نیست که معماران، آب را زیباترین دوست و  
بزرگترین دشمن خود می‌دانند.

دلاواله علاوه بر زیباییهای میدان به

می‌کند، مثلاً از مسگران، آهنگران، کهنه‌فروشان،  
خرده‌فروشان، پیشه‌وران، خواروبارفروشان و کسبه  
بی‌شمار دیگر اسم می‌برد. در آن عصر همه  
فروشنندگان بساط خود را در داخل میدان  
می‌چیدند و موقع شب آنها را در صندوقهای بزرگ  
جای داده و به هم می‌بستند و چادری بر روی آنها  
پهن می‌کردند و تمام شب اجناس مزبور در میدان  
می‌ماند. برای فروش اجناس مختلف و فعالیت هر  
صنفی، محل ویژه‌ای وجود داشته و فروشنندگان  
موظف بودند که روزانه مبلغی به‌عنوان استفاده از  
میدان بپردازند ولی در جشنهای رسمی و ورود  
سفراء میدان را خالی می‌کردند.<sup>۷</sup>

میدان، زندگی شبانه جالبی را برای علاقه‌مندان  
عرضه می‌کرد، چنانکه تعداد زیادی از بازیگران،  
شعبده‌بازان، خیمه‌شب‌بازان، بندبازان، قصه‌گویان  
و درویشان و سیرک‌بازانی که جنگ شیر، گاو، قوچ،  
خروس و سایر حیوانات را راه می‌انداختند،  
مشغول هنرنمایی بودند. در ضمن میدان محل  
چوگان‌بازی نیز بوده که دو دروازه قدیمی با میله‌های  
سنگی آن هنوز پابرجاست. مسابقات تیراندازی که  
به نام قبق‌اندازی گفته می‌شد و جوانان با اسبان خود  
چهار نعل می‌تاختند و بر روی دیرکی به ارتفاع  
۱۲۰ پا، جام زرین را نشانه‌گیری می‌کردند، از  
ورزشهای زیبای آن روزگار بوده است.

یکی از مهمترین عملکردهای این میدان را باید  
در نقش مذهبی - سیاسی آن جست‌وجو کرد. زیرا  
کاخهای سلطنتی در اینجا قرار داشت و محل  
پذیرش سفراء اغلب در همین میدان انجام  
می‌گرفت. مسجدشاه که بعد از انقلاب اسلامی  
به نام مسجد امام تغییر نام یافته، به‌عنوان مرکز مهم  
دینی شهر تلقی می‌شد و سالها به نام مسجد جامع  
عباسی معروف بوده است. در واقع اصفهان عصر  
شاه‌عباس دارای دو مسجد جامع قدیم و جدید  
بوده است. جهتگیری این مسجد به سوی قبله از  
نظر معماری، حرکتی بسیار ارزشمند و درخور  
توجه است و بی‌دلیل نیست که مهندسين مشاور  
نقش جهان پارس، طرح کلی میدان نقش جهان را  
به‌عنوان آرم شرکت خود انتخاب نموده‌اند.

۷- ژان شاردن، سفرنامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، جلد  
هفتم، تهران، ۱۳۳۸، ص ۱۱۳-۱۰۷.

**بازار اصفهان جزو شاهکارهای معماری و شهرسازی جهان اسلام است و بی‌دلیل نیست که بعضی از جغرافیدانان معروف دنیا آن را جزو شاهکارهای معماری و یکی از زیباترین بازارهای جهان دانسته‌اند.**

۱- میدان نقش جهان دارای ارزش شهرسازی و معماری در سطح جهانی است، چنانکه از طرف یونسکو نیز به‌عنوان میراث فرهنگی جهان ثبت گردیده است. این میدان را کارشناسان شهرسازی و معماری به‌عنوان یکی از شاهکارهای قرن ۱۷ در جهان می‌دانند.

۲- این میدان دارای عملکرد اقتصادی مهمی در چهار قرن گذشته بوده است و بازارهای دور و نزدیک به آن، تکمیل‌کننده این نقش اقتصادی بوده است.

۳- میدان نقش جهان از سال اتمام آن (۱۰۱۱/ق = ۱۶۰۲/م) تا امروز به‌عنوان مرکز مهم صنایع دستی عملکرد خود را ایفا می‌کرده است.

۴- میدان نقش جهان مرکز اجتماعی، سیاسی، تفریحی و مذهبی شهر بوده و هنوز هم چنین نقشی را به‌عهده دارد.

۵- میدان نقش جهان محل نمایش و زورآزمایی پهلوانان، چوگان‌بازان و خیمه‌شب‌بازان عصر صفوی بوده است.

۶- این میدان نقش مذهبی مهمی را همیشه برعهده داشته و اجتماع دسته‌های عزاداری و برگزاری نماز جماعت از آن جمله است.

۷- میدان محل پذیرش سفرا و میهمانان خارجی بوده و در روزهای ملی - میهنی نقش مهمی را برعهده داشته است.<sup>۱۲</sup> عملکردهای مزبور باعث گردید که محلات مسکونی شهر یکی بعد از دیگری در حوالی آن پدید آید و موجب توسعه شهر در بخش جدید آن گردد.

۸- سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، ص ۳۷.

۹- مهوش عالمی، باغهای شاهی عهد صفویه و روابط آنها با شهر، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۳-۴۲، سال ۱۳۷۷، ص ۳۵.

۱۰- اسکندربیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، تهران، ۱۳۳۵، ص ۶۳۴.

۱۱- ژان شاردن، ترجمه سفرنامه شاردن، محمد عباسی، جلد ۷، تهران، ۱۳۳۸، ص ۱۰۷.

12- Kaempfer Engelbert, Am Hofe der Persischen Grosskonigs, 1940 S. 198-204.

ساختمانهای دورتادور آن که از نظر فضایی موزون می‌باشد اشاره نموده است. او بناهای اطراف و زیبایی میدان نقش جهان را با ناوونا که یکی از زیباترین میدانهای شهر رم است مقایسه کرده و آن را به ساختمانهای ناوونا ترجیح می‌دهد.

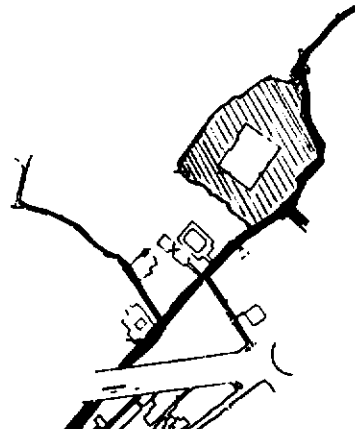
از مشخصات میدان نقش جهان، درختکاری زیبا و منظم و سنگفرش بودن وسط تمام میدان و نقاره‌خانه آن در محل درب ورودی بازار قیصریه بوده که هم‌روزه هنگام غروب به زدن موسیقی مبادرت می‌شده است.<sup>۸</sup> شاردن فرانسوی نیز که نیم قرن بعد از اصفهان دیدن نموده میدان نقش جهان را به همان منوال دیده و توصیف نموده است. او به هماهنگی و شیوه ساختمان حجره‌های دورادور میدان که منقش و به رنگ قرمز و سبز بوده توجه داشته است. میدان نقش جهان در زمان زندگی شاردن در اصفهان دارای دوازده مدخل عمده و چند در ورودی کوچک بوده است.

نماهای میدان سلیقه خاص معمار ایرانی را که توالی را به تقارن ترجیح می‌دهد آشکار می‌کند. میدان مکانی است که در آن مجموعه شاهی چهره خود را از طریق معماری و تزیینات به شهر می‌نمایاند.<sup>۹</sup> شاردن شیفته چراغانی میدان نقش جهان که پنجاه هزار شعله چراغ، آنرا زینت می‌داده بوده است. توبهایی که شاه‌عباس در جنگهای مختلف با پرتغالی‌ها و ترکان عثمانی به غنیمت آورده بود، این میدان را زینت می‌داده است.<sup>۱۰</sup>

میدان نقش جهان، از نظر عملکرد به‌عنوان یک محل تفرجگاهی و تفریحی در عصر صفویه یاد شده است.<sup>۱۱</sup>

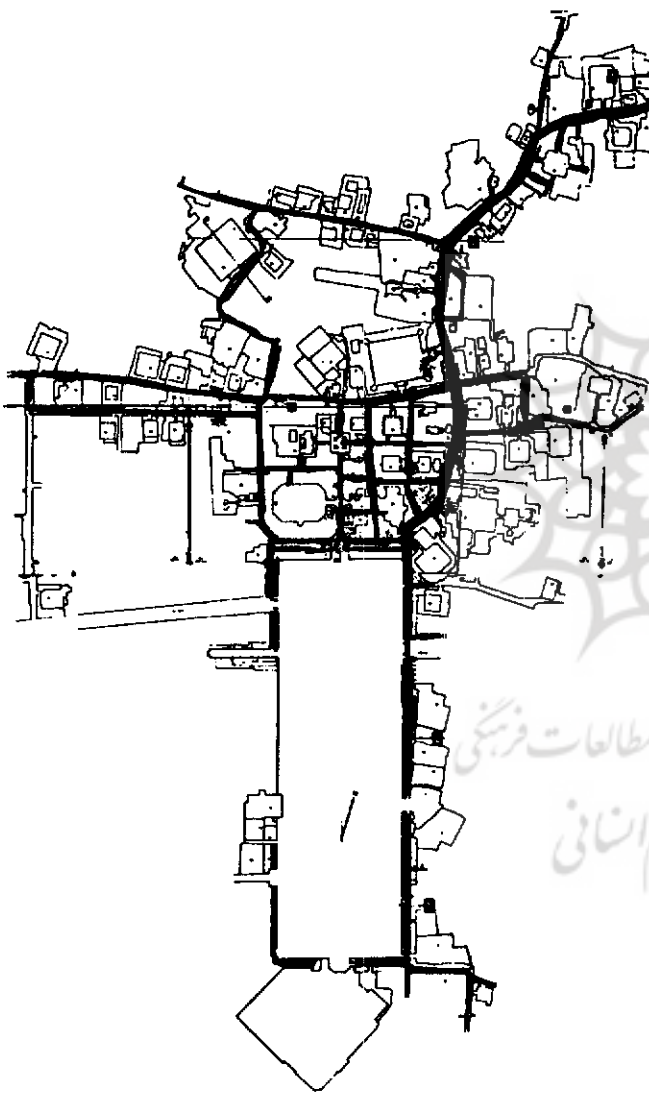
مطالعه اجمالی میدان نقش جهان، از نظر جغرافیای تاریخی نتایج زیر را به‌دست می‌دهد:

بسیار بد و حالت مخروبه داشته و کوچه‌های آن ناحیه به پیشه‌وران پست و روسپیان اختصاص داشته و به طرف جنوب، مدرسه‌ای توسط شاه طهماسب در کنار نقاره‌خانه قدیم ساخته شده که در این مکان، عصرها و نیمه شبها می‌نواختند، که این عمل بعد از احداث میدان نقش جهان و قیصریه جدید به آنجا منتقل شد.<sup>۱۳</sup> چنین حرکتی تقلید و تکرار الگوهای شهری را برای ما روشن می‌کند.



### بازار اصفهان

بخش جنوبی بازار اصفهان یادگار عصر صفویه است، قیصریه و بازارهای دورادور میدان همه ساخته و پرداخته عصر شاه عباس می‌باشد. شاهکار اصلی در تکوین بازار عصر صفویه، بنای رفیع و منظم و هماهنگ آن نیست، بلکه شگرد کار را باید در تفکرات شهرسازی آن جست‌وجو کرد. به طوری که بخش جنوبی بازار با مهارت تمام به مرکز اقتصادی آن عصر که میدان کهنه و میر و بازارهای اطراف آن و مسجد جامع بود وصل گردید. در این حرکت عقلایی طرح یک شهر دوقلو ریخته شد و قرینه‌سازی که از ویژگیهای معماری ایرانیان بویژه عصر صفویه بوده حتی در شهرسازی آن دوره تجلی می‌کند، به این معنی که میدان نقش جهان، در مقابل میدان کهنه و بازارهای شاهی (چون بانی آن شاه بود، لذا به این نام اطلاق می‌شد) را در مقابل بازارهای قدیمی شهر (بخش شمالی بازار)، مسجد شاه را در مقابل مسجد جامع شهر احداث کردند و حتی این مسجد در منابع تاریخی به نام مسجد جامع عباسی معروف بوده است. این ساخت و سازها بخش قدیمی شهر را با جنوب آن پیوند داد، ولی با وجود این آن را تا حدودی از اعتبار انداخت. عده‌ای از نویسندگان اعتقاد دارند که خرابی و انحطاط میدان کهنه، کمی پیش از آن تاریخ روی داده است. در شمال شرقی میدان کهنه، قیصریه قدیم با ورودی بازار قرار داشته که وضعیت



استخوان‌بندی اصلی بازار اصفهان از مسجد جامع تا میدان نقش جهان، مرکز شهر صفوی

۱۳- غلوم‌بیگ لیزا، الگوی شهری اصفهان پیش از صفویه، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۳-۴۲، خرداد ۷۷، ص ۱۵.



این شهر زیبا، متعلق به شهروندان اصفهانی نیست  
و حتی به‌عنوان یک شهر ایرانی - اسلامی تلقی نمی‌شود،  
بلکه گوهری است گرانبها که به تمام جهان تعلق دارد.

به‌طرف جنوب توسعه دادند که پیاده‌روندگان می‌توانستند در گرمترین و سردترین فصول سال از جنوب شهر تا شمال آن‌را پیاده طی نمایند و سقف بازارهای عصر صفویه چنان بلند ساخته شده که سپاهیان به‌منظور ایجاد امنیت می‌توانستند سوار بر اسب و نیزه بر دست، به حرکت در آیند و تمام طول بازار را که حدود ۲۵۰۰ متر است، طی نمایند. بازار صفوی عناصر بازار سلجوقی مانند مسجد، مدرسه، کاروانسرا، تیم و تیمچه را در خود جای داد، در ضمن بیمارستانی در شمال این بازار و در کنار کاروانسرا بنا گردید و مخارج آن از درآمد کاروانسرا تأمین می‌شد و در حقیقت وقف آن بود. بازار قدیمی شهر و بازار جدید عصر صفوی که در واقع استخوان‌بندی شهر و بخش اقتصادی شهر را تشکیل می‌داد، از اهمیت بارزی برخوردار بود و در حقیقت ستون فقرات شهر محسوب می‌شد. فاصله بین میدان کهنه و میدان نقش‌جهان (میدان امام) یا به‌عبارت دیگر، محور مسجدجمعه و مسجدشاه (مسجد امام) از اهمیت اقتصادی بیشتری برخوردار شد که محلات مسکونی شهر از طریق گذرها به این بخش ختم می‌شد. در عصر صفویه اصفهان به‌صورت یک شهر دو قطبی و با دو مرکز ثقل قوی عمل می‌کرده و در حقیقت شهر، دارای دو مرکز اقتصادی - فرهنگی بود. اما قدرت سیاسی در بخش صفوی (جدید) شهر متمرکز بود.

14-Gaube Hans und Eugen Wirth ; Der Eugen ; Der Bazar von Isfahan, Wiesbaden, 1978.

۱۵- ملاجلال‌الدین منجم، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، انتشارات وحید، ۱۳۶۶، ص ۱۱۴.

۱۶- راجر سیوری، ایران عصر صفویه، ترجمه کامبیز عزیزی، چاپ دوم، سال ۱۳۶۶، ص ۱۴۸ و نیز:

Ali Bakhtiar; The Royal Bazar of Isfahan, Iranian studies, studies on Isfahan Part I , P. 320.

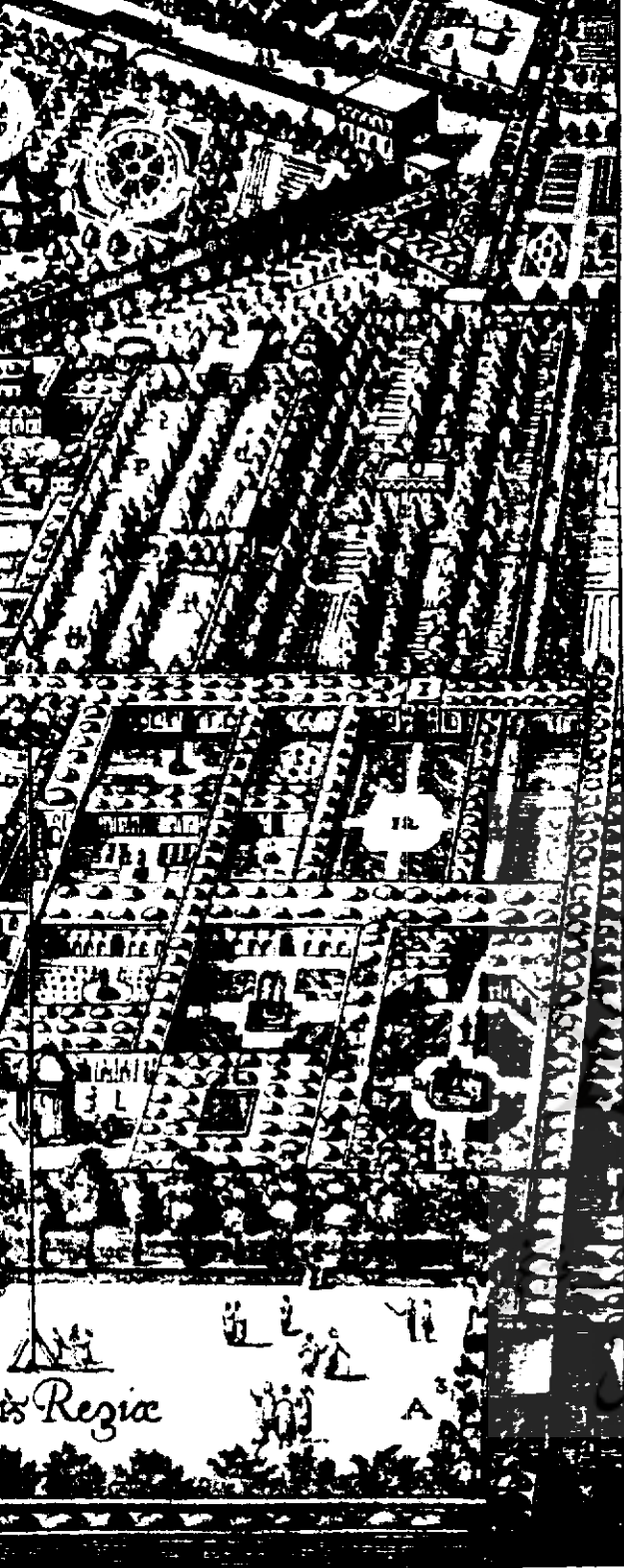
بازار اصفهان جزو شاهکارهای معماری و شهرسازی جهان اسلام است و بی‌دلیل نیست که بعضی از جغرافیدانان معروف دنیا آن‌را جزو شاهکارهای معماری و یکی از زیباترین بازارهای جهان دانسته‌اند.<sup>۱۴</sup> سردر بازار قیصریه همیشه به‌عنوان یکی از جلوه‌های هنر و معماری، مورد توجه کارشناسان بوده است. طراحان به‌منظور قرینه‌سازی و زیباییهای فضایی در سه ضلع دیگر میدان به احداث سه اثر مهم مبادرت نموده‌اند. آغاز بنای بازار اصفهان سال ۱۰۰۰/ق بوده است. ملاجلال منجم، ماده تاریخ آن را در شعری چنین بیان داشته است:

قیصریه به صفاهان کی شد  
هم چه ویرانه میدان معمور  
گفته تاریخ همین است که شد  
قیصریه به صفاهان معمور<sup>۱۵</sup>

نقاشیهای سردر قیصریه که جنگ شاه‌عباس را با ازبکان به تصویر کشیده است، به‌دلیل فرسایش آب و هوایی، رنگ و روی خود را از دست داده است. سردر بازار با کاشیکاری معرق، حکایت از یک عقیده نجومی داشته و آن اعتقاد به احداث اصفهان در ماه قوس است. نقاشان در این اثر با نمایش نیم‌تنه انسان در حال تیراندازی و نیمه ببری که دمش به‌صورت اژدهایی است این عقیده را به تصویر کشیده‌اند. (هنرفر، ۱۳۴۸، ص ۴۶۵).

در عظمت بازار اصفهان توصیف فریر (۱۰۸۷ ه.ق) درخور اهمیت است. او می‌گوید: «این حیرت‌انگیزترین نمونه عظمت در بزرگداشت بازرگانی است که تمام جهان می‌تواند به آن بنازد و بورس‌های ما (منظور بناهای تجاری اروپا) در مقابل این بازارها، ساختمانهای پراکنده‌ای بیش نیستند.»<sup>۱۶</sup>

شهرسازان عصر صفویه بازار اصفهان را چنان



### نقش مادیها در ساخت شهر

گمان می‌رود مادیهای شهر که وجودشان در عصر ساسانی به احتمال نزدیک به یقین بر ما روشن است، برگرفته از نام قوم ماد و یادگار آن دوره باشد. اما استفاده و بهره‌برداری از آنها تا پیش از صفویان نظم و نسقی نداشت. در عصر صفویه استفاده منظم از آنها با برنامه‌ریزی خاصی صورت گرفت که به نام طومار شیخ‌بهائی معروف است. پس از ایجاد بافتهای جدید شهری و یا بناهای عمومی چون مساجد، مدارس و حتی خانه‌های مسکونی، شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی، معماران و شهرسازان کوشش می‌کردند که شبکه آبرسانی از داخل و یا از کنار آنها جریان داشته باشند که بهترین نمونه آن‌را در مدرسه چهارباغ و مسجد حاج علیقلی آقا مشاهده می‌کنیم. این عمل بر تعداد مادیهای فرعی شهر افزود اما، اکنون مادیهای اصفهان با توسعه شهر به معابر عمومی تبدیل شده است. به این معنی که زمینهای کشاورزی کمربند بیرونی شهر که اکنون با توسعه شهری به مسکن تبدیل شده‌اند به ترک استفاده از این مادیها منجر شده و این عمل به مرور زمان پیر شدن آنها را به دنبال داشته است، که بعد از چند سالی به معابر عمومی مبدل گردیده است. لذا می‌توان گفت که در بافتهای جدید شهری معابر عمومی گاهی منطبق بر مسیر مادیها است. در واقع حریم سنتی شبکه‌های آبرسانی به معابر عمومی تبدیل شده است، و اکنون پیچ و خم آنها با قطاری از درختان در وسط کوچه‌ها مسیر مادیهای متروکه را در ذهن ما تداعی می‌کند. در عصر صفویه محلات زیادی به محلات قبلی شهر اضافه شد، اما احداث دو محله عباس‌آباد و جلفا در مسیر شمالی - جنوبی و در غرب چهارباغ عباسی و چهارباغ بالا برای سکونت تبریزی‌ها و آرامنه جنگ‌زده برنامه‌ریزی شد. بافتهای جدید عصر صفوی در مقام مقایسه با بافت قدیمی شهر دارای نظم روشن‌تری بود. شیوه تقسیم‌بندی و اداره شهر در اصفهان عصر صفویه براساس محلات استوار بود و اکنون نیز بعد از سه چهار قرن زندگی اجتماعی محلات در این شهر نقش بسیار مهمی دارد.

### چهارباغ و محلات جدید الاحداث

همزمان با احداث میدان نقش جهان، برنامه‌ریزان شهری عصر شاه‌عباس، طرح احداث چهارباغ را برای توسعه شهر تدارک دیدند، چرا که شاه‌عباس بنای شهر بزرگی را در سر می‌پروراند و مایل بود که توسعه شهر چنان به طرف جنوب گسترش یابد که

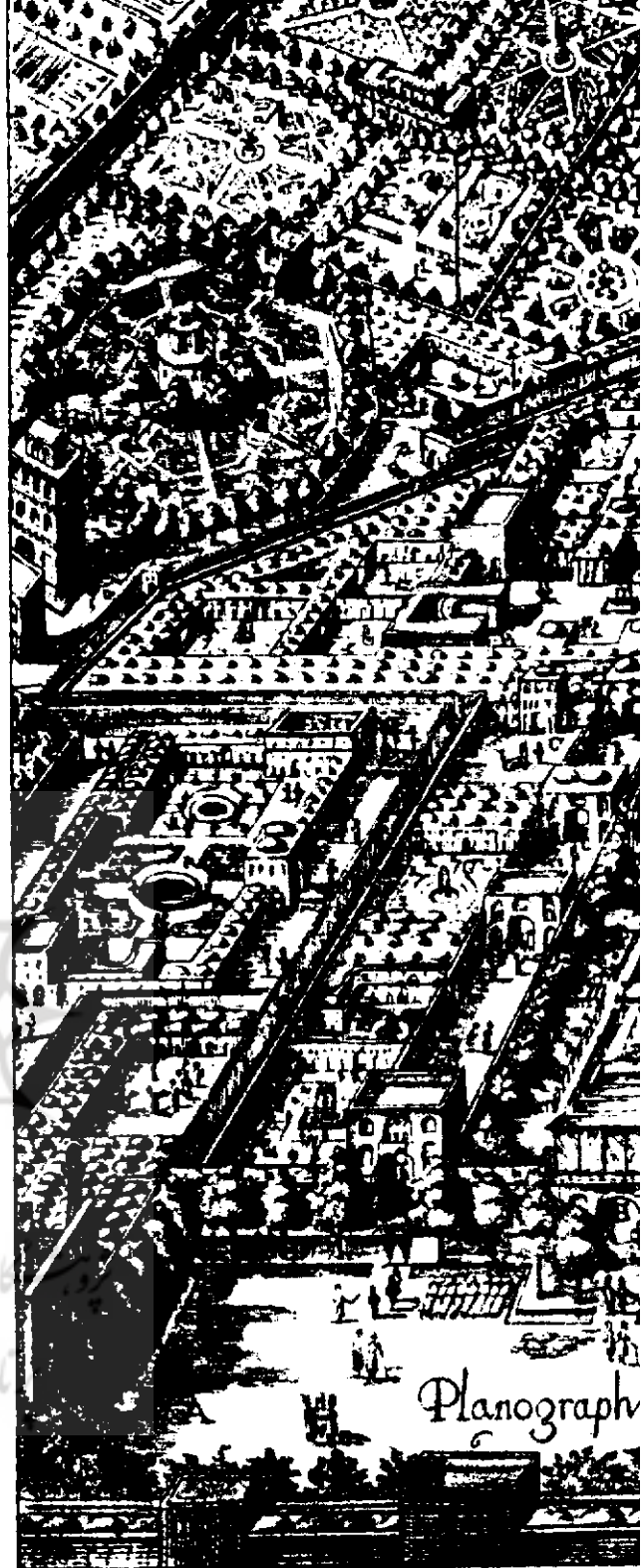
شهری به کار رفته است. شروع اجرای طرح چهارباغ از سال ۱۰۰۶ تقریباً همزمان با احداث میدان نقش جهان و بازارهای بخش جنوبی و دور میدان صورت گرفت، ایجاد آن تا سال ۱۰۲۵ هجری ادامه داشت. عرض آن ۴۸ و طول آن ۳۹۰۰ متر است.

پیترو دلاواله جهانگرد معروف ایتالیایی که در عصر شاه عباس و در بیست نهمین سال سلطنت وی از اصفهان دیدن نموده است در سفرنامه خود به این موضوع اشاره کرده، چنین می نویسد:

«خیابانی که بدان اشاره کردم امروز به اسم چهارباغ خوانده می شود، زیرا در اصل باغهای چهارگانه ای در این محل وجود داشته که از مجموع آنها وضع فعلی به وجود آمده است.» او چهارباغ را از مراکز تماشایی، و خارج از شهر بودن آن را در عصر شاه عباس تأیید می کند. از نوشته های فوق این نتیجه حاصل می گردد که در موقع اقامت سیاح ایتالیایی در اصفهان (۱۰۲۶ تا ۱۰۳۱/ق = ۱۶۱۷ تا ۱۶۲۲/م) چهارباغ گردشگاهی بیش نبوده و هنوز توسعه شهر چنان صورت نگرفته بوده که استقرار خانه ها در کنار آن انجام گرفته باشد.

کمپفر، جهانگرد آلمانی چهارباغ را بهشت روی زمین دانسته و زیبایی چهارباغ را نه فقط در طول و عرض آن می دانسته، بلکه در نهری که از وسط آن جریان داشته می داند.

تاریخ عالم آرای عباسی که در عصر شاه عباس تألیف یافته، درباره چهارباغ و تاریخ بنا و وضع جغرافیایی چهارباغ آن عصر و به خصوص واگذاری باغات و زمینهای دو طرف چهارباغ به امرا و اعیان آن دوره شرح مبسوطی داده است، که هر یک دارای عمارتی زیبا و با نقاشیهای طلایی و لاجوردی زینت یافته بود. تعداد این گونه باغات را



حتی بخش جنوبی زاینده رود به شهر تبدیل گردد. احداث چهارباغ در شهرهای ایران و بویژه اصفهان، از ساختارهای بسیار مهم شهری است که عمری طولانی دارد و در اصفهان حداقل به ۹ قرن قبل<sup>۱۷</sup> می رسد. چهارباغ اصفهان نخست به عنوان تفرجگاه شهری و سپس به عنوان محور توسعه

۱۷- حسین بن محمد بن ابی الرضا آوی، ترجمه محاسن اصفهان، سال ۷۲۹، به اهتمام عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۸، ص ۲۶. تألیف کتاب در دوره سلجوقیان و صادرات خواجه نظام الملک طوسی صورت گرفته است. در آن عصر اصفهان دارای چهارباغ به نامهای: فلاسان، احمد سیاه، بکر و باغ کاران بوده که هر یک به وسعت هزار جریب و به صورت مجتمع احداث شده بود.

سی باب ذکر کرده‌اند که بعضی از آنها باغهای عمومی بوده است.<sup>۱۸</sup>

توصیف شاردن از چهارباغ چنان دقیق و کامل است که می‌توان با مطالعه آن چهارباغ عصر صفویه را به همان طرح قبلی احیا نمود.<sup>۱۹</sup>

پیرلوتی، چهارباغ را شانزله‌یزه اصفهان اسم‌گذاری کرده است. چنانکه شانزله‌یزه نقش ساختاری در شکل‌گیری بافت شهر پاریس داشته، چهارباغ نیز ایفاگر چنین نقشی در اصفهان بوده است. بویژه جهت‌گیری باغهای کنار چهارباغ از آن تبعیت کرده است.

توسعه سریع شهر اصفهان در عصر شاه‌عباس موجب شد که این شهر به یک مرکز مهم اقتصادی-سیاسی جهان تبدیل گردد. در نتیجه ثروتمندان و صنعتگران شهرهای مختلف کشور متشکل از گروههای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قومی و مذهبی به آن روی آوردند و هرگروهی با برنامه‌هایی از پیش اندیشیده شده و مشخص، در مکان معینی به ساختن مساکن خود پرداختند و بدین‌وسیله محله‌های جدیدی بر محلات قدیم شهری اضافه شد و به‌منظور رفع نیازمندیهای ساکنان خود به ساختن اجزای مرکزی محلات، یعنی مسجد، حمام، بازارچه و در برخی از محلات بزرگ حتی میدان، سقاخانه، کاروانسرا و زورخانه نیز پرداختند. توسعه شهر، محلات مختلفی را به‌دنبال داشت که تعدادی از آنها هم از نظر مکان‌یابی و هم بافت و عناصر شهری دارای طرحهای از پیش اندیشیده شده بود. از چهل محله ذکر شده در منابع و مآخذ، فقط چند محله با طراحی قبلی به‌وجود آمده‌اند که محلات دولت، عباس‌آباد (تبریزی‌ها یا تبریز نو) در بخش شمالی شهر و جلفا، فرح‌آباد و کاخها و باغات سعادت‌آباد در قسمت جنوبی شهر از آن جمله‌اند؛ گفتنی است که گسترش جدید شهر هرگز نابودی و تخریب بافتهای قدیم شهری را به‌دنبال نداشت. به‌نقشه طرح توسعه اصفهان عصر صفویه توجه نمایید.

توسعه روزافزون پایتخت شاه‌عباس، هنرمندان بزرگی را در اصفهان پرورش داد. گاهی استادکاران طراز اول کشور از شهرهای مختلف به آن روی

آوردند و زمانی استعدادهای نهفته فرزندان این شهر به بیداری گرایید و آنها را به استادکاران مبرز تبدیل نمود. رشد و تحولات شهری و نظارت مستمر شاه‌عباس بر کارهای عمرانی باعث گردید که خود شاه از معماری و طراحی آگاهی نسبی پیدا نماید و سبب گردید اندیشه‌های او را معماران و شهرسازان عصر صفوی به اجرا در آورند. قدر و منزلت هنرمندان در زمینه‌های مختلف از طرفی و هنردوستی شاه‌عباس از طرف دیگر باعث گردید که مکاتبی در اصفهان پدید آید که به نام مکتب اصفهان یا صفوی معروف گردیده است. از جمله مکتب معماری اصفهان که در آن تمام عوامل فضا، نور، رنگ و غیره در کنار هم آثار بدیع به‌وجود آورده است.

درباره طراحان، معماران و استادکاران عصر صفویه فقط تعداد اندکی از آنها برای ما شناخته شده‌اند که در رأس آنها شیخ‌بهایی حکیم دانشمند که در سایه نبوغ ذاتی به مقام شامخی در علوم دست یافت. او در فلسفه و حکمت، طب، عرفان، نجوم، شعر و ادب و بویژه در مهندسی، معماری و ریاضی و علوم عصر خود صاحب‌نظر بود.

دانشمندانی چون محمدطاهر نصرآبادی و جلال‌همایی درباره معماران بزرگ عصر صفویه از استاد علی‌اکبر معمارباشی اصفهانی به‌عنوان سازنده مسجد جامع عباسی، پیوسته با توجه به مهارت و تبحر او یاد کرده‌اند که البته طراحی آن به احتمال قوی بر عهده شیخ‌بهایی، حکیم معروف آن دوره بوده است. نصرآبادی در معرفی این معمار خوش‌ذوق، از تواناییهای او در سرودن شعر یاد می‌کند و رباعی زیر را از او ذکر می‌نماید:

آن کس که به نفس خود نبردی دارد

با خویش همیشه سوز و دردی دارد.

گر خاک شود عضو و برباد رود

غافل نشوی که بازگردی دارد.<sup>۲۰</sup>

۱۸- اسکندربیک ترکمان، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران، ۱۳۳۵، ص ۵۴۵.

۱۹- سفرنامه شاردن، ترجمه حسین عریضی، ص ۱۱۴

۲۰- محمدطاهر نصرآبادی، تذکره نصرآبادی به تصحیح حسن وحید دستگردی، تهران، ۱۳۱۷، ص ۱۳۸.

از معماران دیگر آن عصر، استاد محمدعلی معمار اصفهانی و استاد محمدرضا اصفهانی را می‌توان نام برد که هر دو در بنای مسجد شیخ لطف‌الله مشارکت داشته‌اند. گاهی در منابع با نام معماری به نام استادعلی اصفهانی روبه‌رو می‌شویم که اسم او در هیچ‌یک از کتیبه‌های بناهای آن عصر به چشم نمی‌خورد.

همزمان با احداث میدان نقش جهان و چهارباغ، در ضلع شمال شرقی‌ترین قسمت چهارباغ، محله دولت احداث می‌گردد. این بخش بر روی زمینی که بین ضلع غربی میدان نقش جهان و چهارباغ واقع بوده تکوین می‌یابد. این قسمت از چهارباغ را دولتخانه می‌گفتند که اکنون به نام دروازه دولت معروف است و در آن کاخهای حکومتی و مساکن سلطنتی استقرار یافته بود، لذا می‌توان این قسمت از شهر را به نام بخش شاهی یا محله شاهی نامگذاری کرد. بجز بناهای گذشته، کاخهای عالی قاپو، چهلستون، مطبخ‌خانه، توحیدخانه، تالار اشرف و کاخ هشت‌بهشت هنوز در این قسمت باقی مانده است، اما عمارت طویله‌خانه که شاهان صفوی در آن تاجگذاری می‌کردند از بین رفته است.

کمپفر جهانگرد آلمانی ۹۶-۱۰۹۵ ق / ۱۶۸۵ م دورنمایی از بخش شاهی را نقاشی نموده که درخور توجه است. (تصویر صفحه قبل) مشاهده تصویر فوق معرف معماری خاص ایرانی است که توالی و تقارن در آن به وضوح تمام مشاهده می‌گردد.

از محلات دیگر بخش جنوبی شهر که با برنامه‌ریزی احداث شده، شهرک جلفا را می‌توان نام برد که در قسمت جنوب غربی چهارباغ و چسبیده به آن در امتداد ساحل جنوبی زاینده‌رود قرار دارد، وقتی شاه‌عباس آرامنه را از جلفا (ساحل رود ارس) به اصفهان آورد، قسمتی از زمینهای جنوب غربی خارج از شهر را جهت سکونت آنان در نظر گرفت که به محله جلفا معروف شد. این جدایی‌گزینی که آرامنه مسیحی از ساکنان مسلمان شهر کمی فاصله داشته باشند یک حرکت کاملاً منطقی بوده است.

در آن عصر به آرامنه امتیازات زیادی داده شد؛ آرامنه در اجرای مراسم مذهبی، ساختن کلیساهای زیبا و انتخاب کلاتر از بین خود، آزادی داشتند. با

اعطای وامهای بدون بهره به بازرگانان ارمنی، آنها توانستند نقش عمده‌ای در تجارت خارجی بویژه تجارت ابریشم داشته باشند. البته ذکر این نکته ضروری است که آرامنه فقط در محله جلفا زندگی نمی‌کردند، بلکه کم و بیش در سایر محلات اصفهان نیز می‌زیستند.

از سایر اقلیتهای مذهبی عصر شاه‌عباس می‌توان از زرتشتیان نام برد که در بخش جنوبی شهر، ولی در شرق چهارباغ می‌زیستند. که به محله آنان گیرآباد یا گبرستان اطلاق می‌شد. این محله به دستور شاه‌عباس دوم خراب و به جای آن کاخها و باغات سعادت‌آباد بنا گردید و ساکنان آن به انتهای جلفا کوچانده شدند.

در اصفهان عصر صفویه، تعدادی اروپایی و آسیایی هم اقامت داشتند که بجز تجارت، در صنایع مختلف تخصص داشتند؛ مانند ساعت‌سازان سوئسی، کوزه‌گران چینی، آینه‌سازان ونیزی و ...

#### باغ هزارجریب

شهرسازان عصر شاه‌عباس به منظور توسعه شهر اصفهان به طرف جنوب، باغی را در منتهی‌الیه جنوبی چهارباغ احداث کردند که به سبب وسعتش آن را هزارجریب نامیدند. برای مشاهده موقع جغرافیایی آن به نقشه و طرح توسعه اصفهان عصر صفویه مراجعه نمایند. در اغلب سیاحت‌نامه‌های اروپاییان، از این باغ باصفا توصیفی به میان آمده است.

توماس هربرت جهانگرد انگلیسی، که مقارن آخرین سال سلطنت شاه‌عباس اول از اصفهان دیدن کرده و سفرنامه‌ای دارد که در سال ۱۰۳۴ ق = ۱۶۴۳ م به طور مصور در لندن به چاپ رسیده، درباره باغ هزارجریب می‌نویسد:

«در هیچ شهری از شهرهای آسیا نظیرش وجود ندارد، اندک مسافتی به شهر اصفهان مانده، این باغها از نظر مسافر، بیشه عظیمی جلوه می‌کند، چنان بزرگ، خوشبو و سبز، که گویی اینجا را بهشت ثانی خواندن، اغراق نیست.»<sup>۲۱</sup>

۲۱. لطف‌الله هنرفر، باغ هزارجریب، مجله هنر و مردم، سال ۱۳۵۴، شماره ۱۵۷، ص ۷۹.

نمی‌دانند و حتی سی و سه چشمه داشتن پل را به نفوذ فرهنگ و تمدن ایران باستان و آنرا با سی و سه امشاسبند اهورامزدايي، در ارتباط می‌دانند.<sup>۲۴</sup> بالاخره با ایجاد سی و سه پل، بخش شمالی و جنوبی شهر به هم متصل می‌گردد و رفت و آمد ساکنان شهر به بخشهای جنوبی شهر سهل تر می‌شود. طول پل ۳۰۰ متر و عرض آن ۱۴ متر می‌باشد و در دو دهه قبل تعمیرات اساسی در آن صورت گرفته است. اکنون بعد از نیم قرن استفاده از وسایط نقلیه موتوری به عابران پیاده اختصاص یافته است. این پل ارتباطی در عصر صفویه به عنوان مرکز تجمع و تفریح انسانها بوده است، چنانکه به هنگام جشن آبریزان، محل اجتماع تعداد زیادی شهروندان اصفهان و مهمانان خارجی بوده و حتی شاه عباس خود نیز در این جشن شرکت می‌کرده است.<sup>۲۵</sup>

### پل خواجو

پل آب‌بند خواجو یک کار مهندسی در سطح عالی است. این پل بعد از پل الله‌وردیخان و در زمان شاه عباس دوم بنا گردیده است که آنرا به نامهای پل حسن آباد و بابا رکن‌الدین<sup>۲۶</sup> نیز خوانده‌اند.

۲۲- لطف‌الله هنرفر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۲۸۷.

۲۳- ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، آثار ملی اصفهان، انتشارات آثار ملی ایران، تهران، ۱۳۵۲، ص ۳۲۵.

۲۴- محمدعلی موسوی فریدنی، ۳۳ چشمه پل چهارباغ، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۴۲ و ۴۳، ص ۸۴.

۲۵- جشن آبریزان یکی از جشنهای باستانی ایرانیان پیش از اسلام بوده است. ایرانیان قدیم در روز سیزده تیرماه هر سال جشن بزرگی می‌گرفتند و در این روز آب و گلاب بر سر و روی هم می‌پاشیدند. در زمان شاه‌عباس اول اگر شاه در اصفهان بود مراسم آبریزان در کنار زاینده‌رود در نزدیک سی‌وسه پل، انجام می‌گرفت، و اگر در مازندران یا گیلان بود در کنار دریای مازندران صورت می‌گرفت. برای کسب اطلاعات بیشتر به مقاله آقای دکتر لطف‌الله هنرفر، زیر عنوان: دو پل تاریخی و مشهور اصفهان از دوره صفویه مجله هنر و مردم، سال ۱۳۴۸، ص ۱۴ مراجعه فرمایید.

۲۶- احتمال داده می‌شود که شالوده اولیه این پل از زمان حسن بیگ ترکمان یا حسن پاشا نامی از امرای تیموری گذاشته شده باشد. ضمناً چون بقعه بابا رکن‌الدین بیضاوی انصاری در تخت فولاد بوده لذا این پل به آن نام هم معروف شد.

امروز باغ هزارجریب با توسعه خیابان چهارباغ به طرف جنوب، به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم گردیده که در بخش غربی آن (پای کوه صفه) دانشگاه اصفهان و بر روی قسمت شرقی، محله جدید الاحداث ملاصدرا به وجود آمده است. از آثار عصر صفویه در باغ هزارجریب فقط دو برج کبوتر بر جای مانده است که یکی در کوی دانشگاه اصفهان و دیگری در کوی کارمندان (مرداویج) قرار دارد. کبوترخانه‌های مذکور در حد جنوبی باغ هزارجریب و در گوشه‌های آن قرار داشت و در سالهای اخیر از طرف سازمان میراث فرهنگی اصفهان تعمیر و بازسازی شده‌اند، اما برجهای شمالی باغ، به کلی از بین رفته و به مسکن تبدیل گردیده است. اغلب جهانگردان و جغرافیائویسان داخلی و خارجی از چهار برج کبوتر، واقع در چهار گوشه باغ هزارجریب همیشه سخن گفته‌اند. کبوترخانه‌های مزبور کود مورد نیاز باغ هزارجریب را از فضله کبوتران تأمین می‌کردند. ضمناً باغ هزارجریب دارای سردری بوده که در دوران حکومت نادر تخریب شده است. (رستم‌التواریخ، ص ۲۱۱).

### پلهای ارتباطی بخش شمالی و جنوب شهر

#### پل الله‌وردیخان

یکی از زیباترین آثار و شاهکار معماری ابنیه ایران است. اندیشه بنای این پل در اوایل سلطنت شاه‌عباس اول (۱۰۰۵ هـ ق) به وجود آمد، ولی بعضی از نویسندگان پایان ساخت پل را ۱۰۰۵ / ق ذکر کرده‌اند،<sup>۲۳</sup> که ظاهراً با شروع ساخت اشتباه شده است. سردار مشهور عصر صفویه یعنی الله‌وردیخان، مباشر اتمام ساختمان پل بود و به همین سبب پل مزبور را پل الله‌وردیخان نامیده‌اند.

این پل را از آن جهت که جلفا را به اصفهان و چهارباغ را به چهارباغ عباسی وصل می‌کند پل جلفا و گاهی پل چهارباغ، الله‌وردیخان، و زمانی سی‌وسه پل که دارای سی‌وسه چشمه است گفته‌اند و در برخی از منابع چون عالم‌آرای عباسی چهل چشمه آمده است. بعضی از نویسندگان چهل چشمه داشتن پل الله‌وردیخان را صحیح

### پل جویی و کاخ و باغهای سعادت آباد

گفتیم که در عصر شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ هـ) توسعه شهر اصفهان با روند چشمگیری همچنان ادامه داشت، اما یک بخش مشخص و معین در این توسعه که در ساحل جنوبی رودخانه قرار داشت؛ کاخها و باغهای سعادت آباد است که امروزه آثاری از آنها برجای نمانده است، اما پل ارتباطی این کاخها به نام پل جویی هنوز برجاست. باغ سعادت آباد که به تقلید از باغ هزارجریب احداث شده بود را به نام هزارجریب کوچک نیز گفته‌اند. این باغ زیبا بین پل سی‌وسه چشمه و پل خواجه، در حاشیه جنوبی ساحل زاینده رود گسترش داشت. باغ دریاچه روبه‌روی آن در شمال رودخانه قرار داشته است و این دو باغ در حقیقت در حکم یک باغ بزرگ محسوب می‌شد و رودخانه زاینده رود از وسط آنها جریان داشت.

پل جویی که در زبان عامیانه بدان پل چویی نیز می‌گویند در سال ۱۰۶۸ هـ. ساخته شده و باغ دریاچه را به باغهای سعادت آباد متصل می‌کرده است که بخش مردانه در ساحل چپ رودخانه (شمال) و بخش زنانه در قسمت جنوب آن قرار داشته است. وجه تسمیه این پل به جویی آن است که جوی آبی به درازای پل (۱۴۷ متر) بر روی آن تعبیه کرده بوده‌اند و این جوی واسطه رسانیدن آب به باغات سلطنتی شمال رودخانه و حرمخانه شاه بوده است. در حال حاضر (۱۳۷۹/ش) پل جویی بازسازی شده و دارای سه قسمت و هر کدام هفت چشمه دارد، چایخانه‌ای در قسمت پایین پل ایجاد شده است. اکنون با اسفالت کردن کف پل، دیگر جوی و آبی در وسط پل دیده نمی‌شود. یکی از پژوهشگران ایرانی اعتقاد دارد که این پل با قصرهای هفت دست ارتباط داشته و حتی دارای هفت چشمه است و اسم هفت دست را برای این پل صحیح می‌دانند.<sup>۲۸</sup>

۲۷- دکتر لطف‌الله هنرفر، دو پل تاریخی و مشهور اصفهان از دوره صفویه، هنر و مردم، سال ۱۳۴۸، شماره ۸۱، ص ۱۴.  
۲۸- این نظریه را آقای خسرو احتشامی محقق و شاعر توانای شهر اصفهان اظهار داشته‌اند.

قبل از بنای این پل باشکوه، در محل آن، پلی وجود داشت که واسطه ارتباطی اصفهان با قبرستان قدیمی و معروف تخت فولاد بوده است.<sup>۲۷</sup> وجه تسمیه آن به خواجه به مناسبت مجاورت آن با محله خواجه است که از محلات عصر صفویه و در قسمت شمالی آن قرار دارد، در کنار محله خواجه در جهت شمالی و جنوبی، چهارباغ دیگری به تقلید از چهارباغ عباسی و مدرسه‌ای به تقلید از مدرسه چهارباغ اصفهان به وجود آمده که به نام چهارباغ خواجه و مدرسه صدر معروف است. احداث چهارباغ خواجه به دست حاج محمدحسین خان صدر اصفهانی که صدراعظم ایران بود، در زمان فتحعلی شاه قاجار انجام گرفته است. چهارباغ خواجه مانند چهارباغ عباسی، محور توسعه شهر اصفهان گردید که از طریق پل خواجه به قبرستان شهر یعنی تخت فولاد و مناطق جنوبی کشور و از طرف شمال به بازار اصفهان منتهی می‌شد. عرض این خیابان ۴۰ متر است.

بنای پل خواجه در سال ۱۰۶۰ در عصر شاه عباس ثانی پایان یافته، یعنی حدود نیم قرن بعد از بنای پل اللهوردیخان. طول آن ۱۳۳ و عرض آن ۱۲ متر می‌باشد. معماری خاص آن، پل مزبور را در ردیف پلهای بی نظیر جهان قرار داده است. معماران داخلی و خارجی همیشه از این بنای تاریخی به عنوان یک نمونه زنده از معماری صفویه یاد کرده‌اند.

پل خواجه فقط نقش ارتباطی ندارد، بلکه به منزله سدی است که با بستن دهانه‌های آن، دریاچه وسیعی پدید می‌آید. در ساحل جنوبی زاینده رود، کاخهای سلطنتی هفت دست، تالار آینه‌خانه و نمکدان قرار داشت که زیبایی خاصی به این بخش از شهر می‌داد و پل خواجه، پل اللهوردیخان و پل دیگری به نام پل جویی ارتباط این کاخها را با بخش شمالی و اصلی شهر برقرار می‌کرد. درباره بنای آن گفته‌اند:

دارای جهان‌پناه عباس

دریاچه و سد و پل بنا کرد

**معماری خاص پل خواجو آن را در ردیف پلهای بی‌نظیر جهان قرار داده است.  
معماران داخلی و خارجی همیشه از این بنای تاریخی به‌عنوان  
یک نمونه زنده از معماری صفویه یاد کرده‌اند.**

عرض ۶ متر و در وسط ۴/۷ متر و در قسمت جنوبی در طول ۳۳ متری حدود ۶/۶ متر می‌باشد. دهانه پل نیز مانند عرض آن از ابعاد متفاوتی برخوردار است، به طوری که از طرف شمال به جنوب، عرض دهانه‌ها به ترتیب یک دهانه ۴/۲ متر و سه دهانه ۵/۲ متر و ده دهانه ۵/۲ متر و ۹ دهانه ۲/۲ متر که به طور متناوب بین ده دهانه مزبور قرار دارند و سپس دو دهانه ۴/۲ متر و دو دهانه ۲/۲ متر می‌باشد. در ضمن در قسمت شمالی پل به دهانه ۵/۲ متری برمی‌خوریم. نمای کلی و عمومی پل بی‌شبهت به پل شهرستان که یادگار دوران قبل از اسلام است نمی‌باشد.

ارتفاع پل از معبر تا بستر رودخانه که سنگفرش است ۵/۵ متر است و مصالحی که در ساختمان آن به کار رفته سنگ، آجر، گچ و ساروج می‌باشد.<sup>۳۰</sup> پلهای ایجاد شده بر روی رودخانه زاینده‌رود (مارنان، سی‌وسه‌پل و خواجو) عامل توسعه شهر اصفهان در عصر صفویه بوده و توسعه شهر در محور بازار، چهارباغ عباسی و خواجو صورت گرفته است. به نظر می‌رسد که توسعه شهر از اواخر عصر صفویه در محور پل مارنان انجام پذیرفته و فرح‌آباد همان نقشی را در توسعه اصفهان داشته که پل خواجو و تخت فولاد و سی‌وسه‌پل و باغ هزارگریب به عهده داشته‌اند.

**فرح‌آباد شهرک نویناد عصر صفوی**

از آخرین فعالیتهای شهرسازی عصر صفویه که در زمان شاه سلطان حسین صورت گرفته است ایجاد شهرک فرح‌آباد می‌باشد. این کار عمرانی در جنوب

در باغ سعادت‌آباد قصرهایی وجود داشت که معروفترین آنها هفت‌دست (مرکب از هفت دستگاه عمارت)، تالار آینه‌خانه، نمکدان و کلاه فرنگی بوده است.

کمپفر جهانگرد آلمانی شرح مبسوطی از این بخش شهر را در سفرنامه خود آورده است. او در توصیف و تعریف این بخش از شهر چنان دقت و توجهی داشته که می‌توان هم اکنون با مطالعه نوشته‌های وی به بنای مجدد آنها پرداخت.<sup>۲۹</sup> از کلیه آثار باغهای سعادت‌آباد جز پل جویی چیزی برجای نمانده است، متأسفانه کلیه بناها در عصر قاجاریه بویژه زمان حکومت ظل‌السلطان به کلی ویران شده و در قسمتی از آن باغها، کارخانه ریسندگی و بافندگی و وطن بنا گردیده که از قدیمی‌ترین کارخانجات اصفهان بوده است.

**پل مارنان (ماربانان)**

پل ارتباطی بین شهر اصفهان با جلفا و فرح‌آباد بوده است. غربی‌ترین پلی است که اصفهان شمالی و جنوبی را به هم متصل می‌کند، ساختمان آن ساده و نامتقارن و بدون غرفه است؛ چون این پل در نزدیکی اراضی و مزرعه‌ای موسوم به مارنان یا ماربانان قرار دارد که از دیه‌های دهستان پرزودی است، بدین نام معروف گردیده است. این اسم با مسمی به واسطه داشتن پیچ‌وخم زاینده‌رود (ماندر) که ماریچی شکل است به منطقه داده شده است.

لرد کروزن این پل را ماران‌بون یعنی مار شکارکن نامیده است. این پل بر اثر بی‌توجهی، بارها دچار شکستگی و خرابی گردیده و اکنون زیر نظر سازمان میراث فرهنگی تعمیر کلی گردیده است. طول این پل ۱۶۰ متر و اگر نهر انشعابی از زاینده‌رود یعنی مادی نیاصرم را به آن اضافه کنیم، طول آن به ۱۸۰ متر می‌رسد. عرض پل از ابتدا تا انتها متفاوت است، چنانکه در قسمت شمال، این

29- Kaempfer Engelbert ; Am Hofe der persischen Grosskonigs, Leipzig 1940, S. 198-204.

۳۰- محمد محمودیان، زاینده‌رود اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۴۸، ص ۱۴۲.



غربی شهر و در مغرب باغ هزارجریب احداث گردید.<sup>۳۱</sup> در آن زمین وسیع به دستور آخرین شاه صفوی، کاخهایی بنا گردید که به نام کاخهای فرح آباد معروف بوده است، اما امروزه هیچ‌گونه آثاری از آنها باقی نمانده، زیرا حملات افغان‌ها لطمه بزرگی به ساختمانهای آن وارد آورد و از طرف دیگر، خشت و گل، مصالح اصلی بناهای آنرا تشکیل می‌داده است. معروف است که فرح آباد اقامتگاه تابستانی شاه سلطان حسین بوده است.

در آخرین دوره حکومت صفویه، فرح آباد دارای دو بخش شاهی و مسکونی عمومی در حال توسعه بود. بدین ترتیب که قسمت مسکونی فرح آباد در شمال و بخش شاهی در جنوب آن قرار داشت. میرزا حسن خان صاحب کتاب جغرافیای اصفهان و ری و همه جهان، فرح آباد را به واسطه وسعت زیادش یک شهرک جدید دانسته و شکوه و جلال و نظافت کوچه‌های آنرا ستوده و خرابی آنرا به دست افغان‌ها یادآور شده است. ارتباط این شهرک جدید با پل مارنان صورت می‌گرفت. دو طرف خیابانی که شهر اصفهان را به فرح آباد متصل می‌کرده کاخهای رفیع و عمارات زیبایی ساخته شده بود که به درباریان شاه تعلق داشت. این حرکت شهرسازی، فاصله بین شهر قدیمی و فرح آباد را که زمینهای بدون گسترش مسکن بود از بین برد. البته چنین حرکتی یک بار هم ضمن احداث چهارباغ عباسی و باغ هزارجریب تجربه شده بود.

مادام دیولافوا در سفرنامه خود می‌نویسد: موقع خروج افغان‌ها و شکست آنها از نادرشاه افشار، افغان‌ها کاخهای آنرا به آتش کشیدند و با خاک یکسان نمودند، تل خاکی از آنها برجای مانده و از درختان و گلکاریهای آن اثری نیست.

محمد مهدی ابن محمد رضا الاصفهانی دربارهٔ احداث فرح آباد می‌نویسد:

«بعد از شاه سلیمان پسرش شاه سلطان حسین به آبادی شهر، باز افزود، عده نفوس نیز رو به تزاید نهاده و عرصه به مردم تنگ شده، از طرف جنوب زاینده رود و طرف مغرب آن آبادی طرح انداخته، به وضع خوش و اسلوبی دلکش بساخت و آنرا

فرح آباد نام نهاد و پادشاه خود و اکثر امرا و اعیان به جهت خویش محلی ترتیب داده و با اندک زمانی شهری مستقل و بلندی معتبر گردید و چون تحت الشعاع اصفهان واقع شده بود، یکی از امکنه اصفهان محسوب گردید. گفته‌اند دویست هزار جمعیت نفوس آن بوده است.<sup>۳۲</sup> بدین سان ملاحظه می‌گردد که در عصر صفویه برای سرریز جمعیت شهر اصفهان برنامه‌ریزی صحیحی صورت گرفته که شهرک نویناد فرح آباد یکی از آن برنامه‌هاست. لذا می‌توان گفت که شهرسازان عصر صفویه چه دید صحیح علمی از اصول شهرسازی داشته‌اند، به طوری که حرکات شهرسازی آنها امروز هم مورد قبول طراحان و شهرسازان این قرن است؛ و شهرک سازی آن دوره اکنون تکرار می‌گردد.

اینک آثاری از شهر قدیمی فرح آباد باقی نمانده و در نیم قرن اخیر زمینهای آن به بخش نظامی اختصاص یافته و استادیوم ورزشی سی هزار نفری و آکادمی و مرکز توپخانه نیز بدان اضافه شده است. توسعه شهر فعلی اصفهان چنان چشمگیر است، که طرحهای عمرانی آینده شهر، انتقال مراکز نظامی را به مناطق خارج از شهر الزامی می‌داند.

با این مطالعه کوتاه در می‌یابیم که شهرسازان عصر صفویه به بنای پایتختی دست یافتند که دارای خیابانهای عریض، پلهای زیبا، قصرهای باشکوه، دیوانخانه‌های بزرگ، مساجد و مدارس مجلل، بازارهای معتبر، میدانهای وسیع، حمامهای جالب و باغهای دلگشا بوده که آثار آن بعد از چهار قرن همچنان پابرجاست.

در خاتمه روی سخن من با جغرافیدانان، شهرسازان، معماران، برنامه‌ریزان و علاقه‌مندانی است که فرزندان ایرانیان چهار قرن قبل هستند. امروزه بر شما جوانان است که دامن همت به کمر بندید و شهرهایی آنچنان زیبا و آباد بسازید که درخور یک ملت با ایمان، متمدن و با فرهنگ باشد.

۳۱- حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، تاریخ اصفهان و ری، ص ۳۳-۳۲.

۳۲- محمد مهدی ابن محمد رضا الاصفهانی، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ۱۳۵۳/، ص ۱۸۰.